

عزتمندی، وسیله سربلندی جوانان

<?xml encoding="UTF-8?">

کار و عزتمندی

بیکاری در اسلام امری نکوهیده است. حفظ شرافت انسان، در پرتو کار و تلاش است. امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

حضرت موسی علیه السلام به پیشگاه حضرت حق عرض کرد: بارالها! کدام یک از بندگان نزد تو بیشتر گرفتار خشم و غضب است. فرمود: «آن که در شب مانند مرداری افتاده باشد و در روز عمرش را در جامعه به بیهودگی می گذراند و کار نمی کند و می خواهد از دسترنج مردم استفاده کند».

چنین انسان هایی زمینه های سرشکستگی خود و اجتماع را فراهم می آورند. اسلام حتی به انسان هایی که ناتوانی جسمی دارند، اجازه تن پروری نمی دهد. مردی به حضور امام صادق علیه السلام رسید و گفت: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله ، من انسانی هستم که نمی توانم کار کنم (گویا در دستش عیبی بود) و سرمایه ای هم ندارم که به تجارت بپردازم، بنابراین نیازمند و محتاج هستم. حضرت فرمود: کار کن. بر سرت کالاهایی قرار بده و آن را حمل کن و از مردم بی نیاز باش. نان با عزت بخور و با عرق جبین به زندگی ات ادامه بده. از این رو، بر جوانان است که دوران جوانی خود را به سستی و بیهودگی سپری نکنند و با کار و تلاش، زندگی خویش را بسازند. روزهای جوانی، بهترین فرصت برای رسیدن به عالی ترین مرتبه های پیشرفت و کمال آدمی است. روح جوانان لبریز آرزو، عشق و امید است و با این نیروست که می توان بر مشکلات پیروز شد. پس شایسته است که جوانان، موضوع کار و تلاش را جدی بگیرند تا بر اثر آن، به زندگی شرافت مندانه دست یابند و مظهر شکوه مندی و عزت نفس شوند.

پیام متن: 1. نکوهش بیکاری، در اسلام.

2. شناخت ارزش دوران جوانی و کسب عزت و بزرگی، به سبب کار و تلاش در این دوره.

ارزشمندی کار و کارگر در اسلام

کارگر مقام والایی در اسلام دارد. پیامبر خود، بوسه بر دستان کشاورزی زد که از شدت سختی کار زبر و خشن شده بود. انس بن مالک می گوید:

موقعی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله از جنگ تبوک برگشت، سعد انصاری به استقبال او آمد. حضرت با او مصافحه کرد و چون دست سعد را زبر و خشن دید، فرمود: «چه صدمه و آسیبی به دستت رسیده است.» عرض کرد: یا رسول الله ! من با وسایل کشاورزی کار می کنم و درآمدم، خرج معاش خانواده ام می شود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دست او را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش با آن تماس پیدا نمی کند.

فقر مادی، احساس خودکم بینی را به دنبال دارد، تا جایی که انسان بی کار و تن پرور، حتی در میان خانواده خود

نیز نمی تواند شخصیت حقیقی و عزت نفس خویش را بازیابد. این احساس، آثار ناخوشایندی بر شخصیت افراد به ویژه جوانان می گذارد، به گونه ای که افزون بر ایجاد عقده حقارت، مانعی برای شکوفایی استعدادها و توانمندی های وی به شمار می آید.

پیام متن: 1. فهمیدن ارزش کارگری با بیان حکایتی که در آن، پیامبر دستی را که بر اثر کار، خشن شده بود، بوسید.

2. تأثیر ناپسند بی کاری، بر شخصیت آدمی.

بزرگواری در پرتو مبارزه با نفس و اخلاق خوش

کرامت نفس و اخلاق نیکو، از شایستگی های مؤمن مسلمان است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خطاب به جریر فرمود:

یا جریر! اَنْتَ اَمْرٌ قَدْ اَحْسَنَ اللّٰهُ خَلْقَكَ فَاَحْسِنْ خُلُقَكَ.

ای جریر! به راستی تو مردی هستی که خداوند آفرینش تو را نیکو و زیبا کرده است و این تو هستی که باید رفتارت را نیز شایسته کنی.

سقراط در مقام مبارزه با نفس، می گوید:

انسان جویای خوشی است و جز این تکلیفی ندارد. اما خوشی با بهره بردن از لذت ها و شهوت ها به دست نمی آید، بلکه به وسیله جلوگیری از خواهش های نفسانی، بهتر میسر می شود و سعادت افراد در ضمن سعادت جماعت است.

حضرت علی علیه السلام زشتی خُلق را مایه پستی می شمارد و می فرماید:

رُبَّ عَزِيزٍ اَدَلَّهُ خُلُقُهُ وَ ذَلِيلٍ اَعَزَّهُ خُلُقُهُ.

چه بسا عزیزی که زشتی خلقش، وی را خوار و زیون ساخت و چه بسا فرومایه و پستی که نیکویی خلقش، او را شرافت و عزت بخشید.

بعضی افراد آن قدر در کرامت نفس بلند مرتبه اند، که از شعله ور شدن غضب جلوگیری می کنند. از کسی که بد کرده و موجب خشم شان شده است، می گذرند. نه تنها بدی را با بدی پاسخ نمی دهند، بلکه شخص بدعمل را به عنایت و احسان می نوازند. گاهی از افراد عادی نیز این قبیل بزرگواری نفس دیده می شود، به گونه ای که موجب شگفتی کسانی می شود که به بزرگواری و علو درجات اخلاقی رسیده اند.

افزون بر خوش خلقی، کنترل غریزه ها، برای شخص کریم بسیار مهم و با ارزش است. حضرت صادق علیه السلام در رهنمودی می فرماید:

لَا تَدْعِ النَفْسَ وَ هَوَاهَا فَإِنَّ هَوَاهَا رَدَاهَا.

نفس خویش را با خواهش های گوناگونش آزاد مگذار؛ زیرا خواسته های آزاد و نا به جا، موجب نابودی او خواهد شد.

مبارزه با نفس، به منزله جهاد اکبر است. عارف گران قدر، مولانا بلخی می گوید:

ای شهان کشتیم ما خصم برون / ماند خصمی زو بتر در اندرون

کشتن این، کار عقل و هوش نیست / شیر باطن سُخره خرگوش نیست
پیام متن: 1. کرامت نفس، در سایه اخلاق نیک.
2. کنترل غریزه ها، راهی به سوی بزرگواری نفس.

عوامل عزت آفرین

در آموزه های دینی، انسان مؤمن جایگاهی بس والا و ارزشمند دارد. اسلام بر عزیز بودن او تأکید می کند و زبونی او را نمی پذیرد. بر همین اساس، بر عواملی سفارش می کند که هم موجب عزت او هستند و هم بقای آن. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

المؤمن يكون عزيزا و لا يكون ذليلاً.
مؤمن، پیوسته عزیز و سرافراز است و زبون نیست.

مسائل ظاهری دنیا مثل مقام و ثروت، نه مایه عزت جوانان است و نه عامل بقای آن، بلکه اسلام بر شاخصه های دیگری برای عزت آفرینی اشاره دارد که یکی از آنها ایمان به خداست.

پس از ایمان، پارسایی نیز مایه عزت است؛ چنان که پیامبر گرامی اسلام روایت می کند:

من أراد أن يكون أعزَّ الناسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ.
کسی که می خواهد با عزت ترین انسان ها باشد، باید تقوای الهی پیشه کند.

حضرت علی علیه السلام نیز بر کسب تقوای الهی این گونه سفارش می کند: «هیچ بزرگی و کرامتی بالاتر از اسلام و هیچ عزتی گرامی تر از پرهیزکاری نیست».

همچنین، اطاعت از خداوند عامل مهمی در جهت عزت مداری است. در کلامی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می خوانیم: «هر کسی خواهان عزت دو جهان است، باید اطاعت خدا کند».

حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره می فرماید: «لَا عِزَّ كَالطَّاعَةِ؛ هیچ عزتی، مثل اطاعت خداوند نیست».

البته، عمل صالح، بردباری، صله رحم و فرونشاندن خشم هم، از عوامل شکل گیری عزت به ویژه در جوانان به شمار می آید.

پیام متن: تقوا، اطاعت خدا، صله رحم و کنترل خشم، از عوامل ایجاد عزت نفس در انسان ها هستند.

بی نیازی از دیگران و عزت نفس

یکی از مسائل بسیار تأثیر گذار در ایجاد عزت نفس، بی نیازی از غیر خداست که این امر، با بهره گیری از روحیه قناعت و پرهیز از طمع، امکان پذیر است. انسانی که خواهان عزت نفس خویش است، خود را در برابر دیگران خوار نمی پذیرد. از این رو، در آموزه های دینی، مؤمن به دل بریدن از خواهش دیگران دعوت و از طمع ورزی نهی شده است.

همچنین، در اسلام سفارش شده است که قناعت داشته باشید و نیازهای تان را بر اساس عزت مندی رفع کنید.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روایتی فرمود:

عزُّ المؤمنِ اسْتِعْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ وَ فِي الْقَنَاعَةِ الْحَرِيَّةُ وَالْعِزُّ.

عزت افراد باایمان، در بی نیازی از مردم است و آزادی و شرافت، در قناعت به دست می آید. امام باقر علیه السلام نیز در رهنمودی زیبا، به جابر می فرماید: «وَاطْلُبْ بَقَاءَ الْعِزِّ بِإِمَاتَةِ الطَّمَعِ؛ با میراندن طمع، بقای عزت و شرف را طلب کن».

اگر آدمی یقین یابد که برآوردن حاجت هایش، تنها با لطف و عنایت خداوند صورت می گیرد، هرگز دست نیاز به سوی جز خدا دراز نمی کند و همواره این سخن مولا علی علیه السلام را به خاطر دارد که فرمود: **أَطْلُبُوا الْحَاجَاتِ بِعِزَّةِ الْأَنْفُسِ فَإِنَّ بَيْدَ اللَّهِ قَضَاءَهَا.** خواسته های خود را با عزت نفس برآورده سازید، به درستی که برآورده شدن آنها به دست خداست.

پیام متن: ارتباط تنگاتنگ بی نیازی از مردم، با عزت نفس.

عزت و خانواده سالم در پیروی از رهبران الهی

همه پیامبران و امامان آمدند تا به مردم، خودباوری و اعتماد به نفس بیاموزند و آنان را از خودکم بینی و خواری برهانند. از این رو، امام سجاد علیه السلام اطاعت از رهبران عادل را موجب عزت می داند و می فرماید: «طَاعَةُ وُلاَةِ الْأَمْرِ تَمَامُ الْعِزَّةِ».

از سوی دیگر، خداوند در قرآن مجید مخالفت با رهبران دینی را عامل زبونی معرفی می کند و هشدار می دهد: **إِنَّ الَّذِينَ يُحَادِّثُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ.** (مجادله: 20)

در حقیقت، کسانی که با خدا و پیامبر او به دشمنی برخیزند، آنان در زمره زبونان خواهند بود.

در کنار پیروی از رهنمودهای پیشوایان الهی، خانواده رستگار و شایسته، نقش مهمی در تربیت دینی و پرورش روحیه عزت مندی دارد.

امام حسین علیه السلام عزت مندی خود را برخاسته از پرورش دینی خانواده و نقش تربیتی پدر و مادر خویش می داند و در پاسخ به پیشنهاد تسلیم شدن، از سوی ابن زیاد، می فرماید:

هیئات که ما زیر بار ذلت رویم؛ زیرا خداوند و پیامبرش و مؤمنان از اینکه زیر بار ننگ و خواری برویم، ابا دارند و دامن های پاک مادران و انسان های پاک دامن، روا نمی دارند که افراد پست را اطاعت کنیم.

امام حسین علیه السلام با بهره مندی از عزت نفس، در جنگی نابرابر شرکت کرد و تسلیم شدن در برابر رهبر ستمگر و قانون شکن را ننگ و عار دانست.

«مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ؛ مرگ با عزت، بهتر از زندگی در ذلت است».

پیام متن: عزت مندی، در پرتو پیروی از رهبران الهی و بهره داشتن از خانواده ای پرهیزکار و شایسته.

قناعت و خودباوری، از آثار عزت مندی

یکی از پی آمدهای مهم عزت نفس، قناعت است. انسان با عزت، به مبارزه با عوامل ذلت آور برمی خیزد و با قناعت پیشگی، ریشه طمع و خواری را از بین می برد. امام علی علیه السلام در توصیه به قناعت، برای به دست آوردن عزت می فرماید: «الْقَنَاعَةُ تُؤَدِّي إِلَى الْعِزِّ؛ قناعت، عزت را در پی دارد».

نقل شده است که حضرت علی علیه السلام روزی از برابر قصابی می گذشت، قصاب گفت: گوشت های خوبی

آورده ام. فرمود: اکنون پول ندارم که گوشت بخرم. قصاب گفت: صبر می کنم. حضرت فرمود: نه، به شکم می گویم که صبر کند!

خودباوری نیز از دیگر آثار عزت نفس است. موسیه، دانشمند فرانسوی، می نویسد:
برای اینکه هر کس خودش باشد و شخصیت خود را به دست آورد، افزون بر اینکه باید از نفس خویش به صورت وجدانی، اطلاع داشته باشد، لازم است خود را بشناسد و بداند از کدام ناحیه، ضعیف و از کدام جهت نیرومند است. تشخیص بدهد که با کدام نوع از امدادهای روحی، می تواند نقص های خویش را جبران کند. فقط روح شجاع است که در ساعت های تفکر و اندیشه انفرادی جرئت این را دارد که به قول ویکتور هوگو، به عمق تیره و غم انگیز گرداب درونی فرو رود و در آن اکتشاف کند.

من نخواهم شد از این خلوت برون / زآنکه مشغولم به احوال درون

پالو هم در این باره می نویسد:

چه بسیار جوانان و ذهن های هنرمندی را می شناسم که چون اطلاعات آنها نسبت به شخص خویش ناصحیح بوده است و تحت تأثیر تلقین های خارجی قرار گرفته اند، یک رنج روحی آنان را عذاب می دهد. به این ترتیب، نشاط و شادی ویژه به کار که حالت خلاقه ای دارد، از آنان گرفته می شود و با نومییدی دورنشدن دست به گریبان می شوند.

ناصر خسرو نیز در این باره بسیار زیبا سروده است:

اگر بشناختی خود را به تحقیق / هم از عرفان حق یابی تو توفیق

نماند بر تو پنهان هیچ حالی / نبینی از جهان، درد و ملالی

پیام متن: عزت نفس، در سایه خودباوری و قناعت.